

دوشنبه ۱۵ تیر ۶۰

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ۲۳ تیر دیگر از مبارزین را به جوخه اعدام سپرد. گویی عظم جلادان اوین نشین برای خون سیری ناپذیر است، و حتیان ما قبل تاریخ - اجوردی و گیلانی هر روز دست خود را به جنایت تازه ای آلوده می کنند و هر روز بر بار جرایم خویش می افزایند.

لاجوردی با صلاخ دادستان انقلاب، و یسا بهتر بگوئیم ستمگر ضد انقلاب با کمال بیشرمی و درست بمانند سایر قاتلان و آدمکشان حرفه ای - از اعدام های بیشتری سخن می راند. این جانیان با لفظه فراموش کرده اند که مردم زحمتکش ما در طی سالها حکومت فاشیستی پهلوی هزاران شهید متحمل شدند و با وجود این رژیم منفور پهلویها را سرنگون ساختند. اینان فراموش کرده اند که اگر اعدام، کشتار و جنایت می توانست مانع مبارزات زحمتکشان در راه آزادی و سرنگونی سرمایه داری شود، هنوز امثال شاه خائن و سوموزا (دیکتاتور نیکاراگوئه) باید بر سر کار می بودند. همچنانکه کشتارهای - دسته جمعی در هیچ جا موفق به سرکوب مبارزات توده ها برای همیشه و نابودی آزادی نشده اند، در ایران نیز نخواهند شد.

جنایتکاران همواره به سزای اعمال خود - میرسند - مگر نه اینکه کجوشی (پار غار لاجوردی و گیلانی) که قصد ساختن ۶ گورستان را داشت! بهشتی و دیگر فاشیستها پاداش جنایات خود را دریافت کردند، پس دیر نیست روزی که سایر آدمکشان حرفه ای نیز مجازات شوند. رژیم جمهوری اسلامی باید بداند که جنبش زحمتکشان آنرا چون تفاله ای به زباله دان تاریخ پرتاب خواهد کرد.



در تاریخ اول تیر ماه ۱۳۶۰ اطلاعیه ای از جانب همافران نیروی هوایی در مورد "اوضاع اخیر کشور" منتشر شد. ما در زیر بخشهای مهمی از این بیانیه را برای انعکاس موضعگیری همافران از اوضاع سیاسی کنونی نقل می کنیم. طبیعی است که نقل مطالبی از این بیانیه بهیچ روی بمعنای مطابقت مواضع مطرح شده در آن با مواضع رهاگی نیست.



"... ما همافران به علت وضعیت خاص شغلیمان پیش از هر قشر جامعه فشار و خفقان دیکتاتوری محمد رضا خانی را حس می کردیم و زجر می کشیدیم، می دیدیم که چگونه استعدادها و توان انسانی در زیر چکمه های استبدادها و توان انسانی در زیر چکمه های استبداد نابود می شود و شخصیت ها لجن مال می گردد. و بهمین سبب همه در مبارزه با خفقان و استبداد پیش قدم بودیم و می توانیم ادعا کنیم که هیچوقت در طول زندگی نظامیمان از این هم غافل نبودیم گر چه، حرکت ما هم مثل سایر حرکت های جامعه دچار نوسانات و فراز و نشیبهایی بوده است. این مبارزه ادامه داشت

تا اینکه قیام عمومی خلق ما در سال ۵۷ آغاز - گردید و ما هم مانند تمامی مردم ایران رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتیم و یکپارچه در زیر رگبار مزدوران شاه و پاسداران تباهی و فساد و مرگ را بجان خریدیم و از مقابل ایشان رژه رفتیم و در بهمن ماه با قیام مسلحانه به دریا خلق پیوستیم و پیشاپیش مردم آتش بجان استبداد و مستبدان گشودیم. آری ما قیام کردیم تا برای همیشه زنجیر خفقان و ترور را از دست و پای خود و خلقمان بگشائیم...

اما مردم قهرمان ایران شما خود شاهد وقایع چند روز اخیر هستید وقایعی که از یکسال پیش

توسط آقای آیت این عامل سر سپرده ای انگلیس و اربابانش طراحی شده و امروز پیاده شده.

حزب حاکم و دولت مرتجع گوش بفرمان حزب آنچنان به آزادی و حریم انسانی هجوم آورده اند که گمگون نظیرش را در تاریخ سراغ داریم، روزنامه ها را توقیف می کنند، آزادیخواهان را به زنجیر می کشند و در عرض یکروز عده ای از جوانان میهن را دستگیر و یکشناسیه محاکمه و در مقابل چشم هم زنجیرهایشان تیر باران می کنند و دم از عدل اسلامی می زنند، در حالی که میسیونها میلیون ثروت مردم را به باد می دهند و به امریکا می بخشند در همین دولت دزدبهای ۵۶ میلیونی صورت می گیرد و حتی حق چرتکه انداختن را هم از مردم سلب می کنند و بازار با صلاخ اسلامی ۱۲۰ میلیارد تومان از جیب مردم ستمدیده به بیغما می برند. در بهشتی برای یک کیسه برنج دست بیچاره ای را که از گرسنگی مبادرت به اینکار کرده است با ساتور قطع می کنند.

از امریکا و سایر دول امپریالیست اسلحه وارد کرده و برای عوامشربسی دستور می دهند که مارک ساخت امریکا و ... از روی سلاح برداشته شود و در همین شرایط دستور صادر می کنند که ارتش حق دخالت در سیاست را ندارد، ارتش حق عبور و مرور را در حوالی دانشگاه را ندارد، ارتش حق بحث در مسائل مملکتی را ندارد.

از شما ای ملت شریف می پرسیم آیا ارتش آزاده همین است؟! کسی که حق بحث کردن ندارد میتواند مزدور نباشد؟! مگر شاه چه دستوری می داد؟! مگر محتوی بخشنامه ها چه بود که ما را به قیام و شورش واداشت؟

... حزب حاکم در روز عده ای چاق دارو -

غداره بند از قماش شعبان بیخ و ملکه اعتقادی را به خیابانها گسیل می دارند تا زهر چشم از مردم بگیرند و ایجاد زعب و وحشت نمایند. عده ای را تحت حمایت ششلول بندها به خیابان می ریزند و وانمود می کنند که اینان مردم هستند

و نمی دانند که فقط نظا هرات قانون اساسی بختیار را در ذهنها تداعی می نمایند.

... ما اجازه نخواهیم داد که استبداد و خفقان در ارتش و جامعه حکمفرما گردد و در مقابل کوششهایی در این زمینه انجام می شود عکس العمل نشان خواهیم داد...

اخبار

سردمداران یک رژیم تا جحد باید کورذهن عقب مانده، کوتاه بین و دچار تخریر فکری باشند که تصور کنند با حمله به کانونهای دموکراتیک و اشغال آنها می توان از گسترش مبارزات دموکراتیک کراتیک جلوگیری بعمل آورد.

آزادی بیان، آزادی قلم و مطبوعات و آزادی اجتماعات از خواسته های مهم انقلاب بهمن ۵۷ بودند که توسط رژیم ارتجاعی، که حتی از شنیدن کلمه آزادی به لرزه می افتد، پامال شده اند. نویسندگان مبارز میهن ما پیش از این نیز شایسته کرده اند که در مقابل استبداد قرون وسطایی سر فرود نمی آورند و با تقدیم معد بهرنگی، خسروگل سرخی، سعیدسلطان پور،... و هم چنین طرد چاپلوسانی چون به آذین ها از - صغوف خود پرچم مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک همچنان در اهتزاز نگاه داشته اند.

مشهد

پس از بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران، پاسداران ارتجاع در تعدادی از خیابانهای مشهد شروع به دستگیری عده ای از عا برپا کردند. کسانی که اسم و آدرس دقیق می دادند پس از بازرسی خانه و عکسبرداری از آنها آزاد شدند، ولی کسانی که از دادن آدرس خود - داری می کردند، در بازداشت باقی ماندند.

اخبار رسیده حاکی از آنست که زندان وکیل آباد مشهد پر از زندانی شده و زندانیان را به زندان جدیدی در اطراف کارخانه ی قند آبکوه می برند.

فاشیستهای جمهوری اسلامی درست بمانند پیشینیان شاهنشاهی خود دست به پر کردن زندانها و ساختن زندانهای جدید زده اند. دیکتاتورهای نوین حاضرند و قصد دارند تا برای تشبیت و استحکام حکومت خود بدور ایران نیز دیواری بکشند تا ۳۶ میلیون انسان را زندانی سازند ولی مسلما "مردمی که سالها طعم دیکتاتوری و زندان را چشیده اند و می دانند که در مقابل نیروی آنها وحشی ترین و خونخوارترین دیکتاتور - بهما قادر به مقاومت نیست، چنین امری را تحمل نخواهند کرد.

تهران

پاسداران حافظ دیکتاتوری چندبست کسه محل کانون نویسندگان ایران را با حمله ای مغولوار به اشغال خود در آورده اند. رژیم جمهوری اسلامی به این ترتیب یکی از آخرین کانونهای مبارزات دموکراتیک را که هنوز بکار خود ادامه می داد، مورد حمله قرار داده است.

یکشنبه ۱۴ تیر ۶۰

ساعت ۱ صبح پاسداران محافظ سرمایه و ستم خانهای را در خیابان لقمان دهم (پایین تر از سه راه جمهوری) محاصره کردند. در درگیری که متعاقب این محاصره بنین مبارزین راه آزادی ساکن منزل و پاسداران رژیم ارتجاعی و فاشیستی جمهوری رخ داد، ۳ تن از مبارزین که گفته می شود از مجاهدین خلق بوده اند با رگبار گلوله های آدمکشان حرفه ای از پای در آمدند و گویا یکی دیگر از مبارزین با انفجار نارنجکی به زندگی اش خاتمه داده است تا گرفتار دژخیمان دیکتاتوری نگردد. یاد همه شهدای راه آزادی گرامی باد.

پاسداران رژیم سرمایه داری تمام گاراژ - همکف و دو طبقه دیگری را گلوله باران کرده اند و این در حالیست که فقط طبقه اول در اختیار مبارزین قرار داشته است. این خود از طرفی نشانه وحشیگری و جنایتکاری رژیم و ما موران - آن، و از طرف دیگر نشانه وحشی است کسه فاشیستهای جمهوری اسلامی از مبارزین آزادیخواه در دل دارند. رژیم جمهوری اسلامی اینسروزها در حالی که مرتباً تعداد بیشتری از مردم ما را از دم تیغ می گذراند، سعی دارد که حزب فاشیستی و رستاخیزی جمهوری اسلامی و رهبر سابق آن - بهشتی (که روابط او با امپریالیسم و جاسوسان آن بر کسی پوشیده نیست) را با اصطلاح مظلوم جلوه دهد. عجیباً مظلومانی که برای تشبیت خود و باقی ماندن در قدرت حاضرند صدها هزار نفر - را برای خوشامد امپریالیستهای رنگارنگ امریکایی، اروپائی و ژاپنی سر ببرند، ولی چه کسی است که نداند هر چه درجه وحشیگری و قساوت و خونخواری رژیم با اکثر رود، نشانه ی ترس و وحشت بیشتر آن رژیم از مخالفین خود و همچنین نشانه ی نزدیکی پایان عمر آن رژیم است؟

هسته های مقاومت توده ای را سازمان دهیم